

وضعیت تابعیت فرزندان متولد از مادر در حقوق ایران

دانیال فلاح

کارشناسی رشته حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شمال، آمل

سید هادی پژومان

عضو هیئت علمی دانشگاه شمال، آمل

چکیده (قلم بی لوتوس، سائز 14 پررنگ)

بارزترین مظهر تقسیم جغرافیایی اشخاص، موضوع تابعیت است. تابعیت عبارت است از رابطه سیاسی و معنوی که شخصی را به دولت معینی مرتبط می‌سازد. تابعیت دارای دو شرط است: شرط اول: آن است که دولتی وجود داشته باشد. شرط دوم: آنکه تبعه‌ای موجود باشد. تابعیت دارای سه اصل ضروری است: اول: هر فردی بایستی تابعیتی داشته باشد. دوم: آنکه هیچ فردی نبایستی بیش از یک تابعیت داشته باشد. سوم: آنکه تابعیت یک امر همیشگی و زوال ناپذیر نیست. تحصیل تابعیت به دو طریق امکان پذیر است: 1- سیستم خون 2- سیستم خاک. و مهم‌ترین دلیل طرفداران سیستم خون مصلحت کشورهای پرجمعیت و مهاجر فرست است. و مصلحت کشورهای کم جمعیت و مهاجر پذیر سیستم خاک است. و تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که مطابق جدیدترین قانون، به این ترتیب است که بر اساس ماده واحده این طرح، فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی که قبل یا بعد از تصویب این قانون متولد شده یا می‌شوند، قبل از رسیدن به سن 18 سال تمام شمسی به درخواست مادر ایرانی به تابعیت ایران در می‌آیند. همچنین فرزندان مذکور پس از رسیدن به سن 18 سال تمام شمسی، در صورت عدم تقاضای مادری ایرانی، می‌توانند تابعیت ایران را تقاضا نمایند که در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات) به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: تابعیت، فرزند، مادران خارجی، مادران ایرانی

مقدمه

حقوق بین الملل خصوصی عبارت است از رشته‌ای از علم حقوق که از روابط افراد در زندگی بین المللی بحث می‌کند. به طور کلی موانعی که در روابط بین المللی اشخاص پیدا می‌شود ناشی از مسیله یا پدیده مرز است (نصیری، 1388).

بارزترین مظهر تقسیم جغرافیایی اشخاص، موضوع تابعیت است. تابعیت عبارت است از رابطه سیاسی و معنوی که شخصی را به دولت معینی مرتبط می‌سازد. تابعیت به عنوان یک حق بشری برای تمام افراد شناخته شده است؛ که با داشتن حق تابعیت، فرد از حقوق دیگر نیز بهره مند خواهد شد. تابعیت به عنوان یک حق در قانون مدنی و قانون اساسی به آن اشاره شده است. همه ی کودکان نیز باید از این حق بهره مند گردند و هیچ کودکی نباید بی تابعیت باشد (شمس کوپایی، 1395).

تابعیت به عنوان رابطه یک فرد با دولت متبوعی است که خود را متعلق به آن دولت می‌داند، که در قبال هم وظایفی و تعهداتی دارند. در این بین، کشورها از روش‌های مختلفی برای اعمال تابعیت استفاده می‌کنند (هاشمی و جلالیان، 1394).

اولاً: رابطه بین فرد و دولت سیاسی است زیرا که ناشی از قدرت و حاکمیت دولتی است که فردی را از خودش می‌داند (نصیری، 1388).

ثانیاً: این رابطه معنوی است زیرا مربوط به مکانی نیست که شخص در آنجا سکونت دارد. کسی که دارای تابعیت کشور معینی است او را تبعه می‌خوانیم.

تبعه فردی است که تابعیت دولت معینی را داشته باشد و اگر شخصی تابعیت هیچ دولتی را نداشته باشد او را آپاترید می‌نامند (نصیری، 1388).

مطابق ماده 976 قانون مدنی: کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از این که در ایران یا در خارجه متولد شده باشند؛ تبعه ایران محسوب می‌گردد. بدین ترتیب تابعیت ایرانی مطابق حقوق ایران از مادر به فرزند نمی‌رسد.

شرایط تحقق تابعیت

تابعیت دارای دو شرط است:

شرط اول: آن است که دولتی وجود داشته باشد. دولت یک شخصیت حقوقی است که در حقوق بین الملل عمومی آن را نماینده رسمی گروهی از اشخاص می شناسند. در مقابل مفهوم دولت، مفهوم ملت وجود دارد. و آن عبارت است از گروهی از مردم که در سرزمینی زندگی می نمایند بدون آنکه به دولت ملحق شده باشند. مفهوم ملت از نظر حقوقی یک تفکر نژادی است در صورتی که دولت یک طرز تفکر سیاسی می باشد. شرط دوم: آنکه تبعه‌ای موجود باشد. رابطه بین تبعه دولت سیاسی است - دولت است که تشخیص می دهد شخص می تواند تبعه او باشد.

اصول و مبانی تابعیت

اول: هر فردی بایستی تابعیتی داشته باشد.

دوم: آنکه هیچ فردی نبایستی بیش از یک تابعیت داشته باشد.

سوم: آنکه تابعیت یک امر همیشگی و زوال ناپذیر نیست.

اصل اول: هر فرد بایستی تابعیتی داشته باشد.

بعد از جنگ جهانی اول تعداد اشخاصی که تابعیتی ندارند روز به روز زیادتر شده است مواردی که برخلاف اصل فوق بدون تابعیت می شود.

- در اثر مهاجرت: مانند روسهای سفید که بعد از انقلاب روسیه، به کشورهای خارجی پناه بردند و دولت جدید روسیه آنها را تبعه‌ی خود نمی شناخت و سایر دولت‌ها هم ایشان را به تابعیت خود نمی پذیرفتند.

- در اثر مجازات: قوانین بعضی از کشورها مجازات برخی از جرایم را سلب تابعیت گذاشته است.
 - در اثر تخییر: یعنی فرد مخیر بود که از بین دو تابعیت یکی را انتخاب کند و فرد هیچ یک را انتخاب نمی کرد.
- از اصل هر فردی بایستی تابعیتی داشته باشد دو نتیجه حاصل می شود (نصیری، 1388):
- اول: آنکه هر فردی به محض تولد باید تبعه دولت معینی باشد.
 - دوم: آنکه هیچ فردی ترک تابعیت کند بدون آنکه تابعیت دولت دیگری را بپذیرد.
- اصل دوم: هر فردی به محض تولد بایستی تبعه دولت معینی باشد:
- تحصیل تابعیت به دو طریق امکان پذیر است:
- 1- سیستم خون
 - 2- سیستم خاک

- سیستم خون: ما آن را تابعیت نسبی می نامیم یعنی طفل به محض تولد تابعیت پدر و مادرش را پیدا می نماید. تابعیت بر طبق سیستم خون ملازمه با نژاد از نظر زیست شناسی ندارد. سیستم خون مبتنی بر نیت احتمالی افراد است.

سیستم نژادی مبتنی بر مصالح سیاسی و منافع مشترک است و در سیستم نژادی آنچه که اهمیت دارد نژاد پدر و مادر است.

- سیستم خاک: در این سیستم تابعیت را از روی محل تولد شخص معلوم می کنند یعنی هر شخصی تابعیت کشور و محل تولد خود را دارد.

ممکن است کسی در هواپیما یا کشتی متولد شود. بنابر یک سنت بین المللی (کشتی در دریای آزاد تابع دولتی است که پرچم آن را برافراشته است) در حقیقت کشتی به منزله ی خاک آن مملکت تلقی می شود مثلاً اگر طفلی از والدین غیر معلوم در دریای آزاد در کشتی ایرانی متولد شود طبق قانون خاک، تبعه ی دولت ایران است. امروزه اکثر دولت ها به سیستم خاک عمل می کنند (نصیری، 1388).

دلایل طرفداران سیستم خون

- مصلحت کشورهای پرجمعیت و مهاجر فرست: می گویند چون کثرت تبعه برای کشوری در زمان صلح باعث قدرت سیاسی و اقتصادی و در زمان جنگ موجب قدرت نظامی می-شود.

- دلیل ملی و نژادی: این دلیل از تئوری نژادی مونتسکیو سرچشمه می گیرد می گویند اعمال سیستم خون ضامن علاقه مندی به کشور است.

ایراد اصلی که می توان گرفت این است که طرفداران سیستم خاک نیز می توانند به آن استناد نمایند. زیرا علاوه بر تاثیرات محیط اول همان محیط زندگی پدر و مادر، تاثیرات محیط فعلی را نیاستی از نظر دور داشت، علی الخصوص برای افرادی که در کشوری متولد گردیده و مدتی در آنجا سکونت نمایند.

- دلیل احساساتی: می گویند سیستم خون باعث افزایش اعتبار و حیثیت دولت می شود. بدین معنا که اسم آن کشور بر سر زبانها می افتد و علاوه بر آن داشتن تبعه در خارج باعث نفوذ سیاسی و معنوی می شود. البته این دلیل دو طرفه است، زیرا بیگانگی هم که در کشوری سکونت دارند می توانند به آن استناد نمایند.

دلایل طرفداران سیستم خاک

1- دلایل عقلی: انتساب هر فرد به دولتی، بیشتر مربوط به خاک است. به این ترتیب تابعیت ارضی، وسیله غیرمستقیمی برای مبارزه با آپاتریردی جلوه می کند.

2- دلایل اجتماعی: این دلیل جنبه عمومی دارد و البته موارد استثنایی هم دیده می شود. و مناط حکم در اکثریت است، دیده شده که عوامل اجتماعی، عوامل ارثی را از بین برده است (نصیری، 1388).

3- دلیل فایده جویی یا مصلحتی: مصلحت کشورهای کم جمعیت و مهاجر پذیر در این سیستم است. به این علت که این دسته از کشورها وسیع و کم جمعیت اند و نیاز به کمک افراد خارجی دارند و این سیستم یک ضرورت برای این دسته از کشورهاست. در نتیجه برای

اعمال یکی از این دو سیستم ما باید به اوضاع و احوال هر کشور بنگریم و به همین دلیل است که بسیاری از کشورها هر دو سیستم را در صورت نیاز در کنار هم اعمال می‌کنند، اما قاعده بر این است که هر کشوری یکی از دو سیستم را اصل قرار می‌دهد. قاعده دوم: هیچ کس نمی‌تواند تابعیت خود را از دست بدهد بدون اینکه تابعیت دولت دیگری را تحصیل کرده باشد.

هرگاه شخصی بخواهد در دوران حیاتش تابعیتی را رها کند، به ناچار باید تابعیت دولت دیگری را تحصیل کند، یعنی تابعیت شخص باید پیوسته باشد، به عبارت دیگر افراد ناگزیرند که پیوسته با دولتی از لحاظ سیاسی مرتبط باشند. این قاعده استثنا آتی دارد از جمله یکی سلب تابعیت به عنوان مجازات و یکی سلب تابعیت در اثر پناهندگی (نصیری، 1388).

اصل دوم: هیچ فردی نبایستی بیش از یک تابعیت داشته باشد (اصل تابعیت واحده): کسی که دارای بیش از یک تابعیت است وضع غیرعادی دارد زیرا تابعیت منشاء حقوق و تکالیف است. مصادیق تابعیت مضاعف:

- اختلاف طرز تفکر دولت‌ها راجع به تحصیل تابعیت.
- شخص با حفظ تابعیت قدیمیش تابعیت جدیدی به دست آورد.
- ازدواج.

اصل سوم: تابعیت یک امر همیشگی و زوال ناپذیر نیست

- تغییر ارادی تابعیت
- تغییر غیرارادی تابعیت
- تغییر تابعیت در اثر ازدواج
- چند نکته درباره‌ی وضع تابعیتی که از روی خدعه و تقلب نسبت به قانون تغییر داده شده است

وضعیت اعطای تابعیت به اشخاص و فرزندان و حق تعیین تابعیت توسط مادر مطابق ماده 976 قانون مدنی

سیستم خون: تحصیل تابعیت برحسب سیستم خون در بند 2 ماده 976 قانون مدنی مقرر شده است قانون ایران تابعیت اصلی را برحسب سیستم خون، فقط از راه نسب پدری پذیرفته است چنانچه در موقع تولد او اختلاف تابعیتی بین پدر و مادر باشد، طفل طبق سیستم خون، دارای دو تابعیت می گردد. تابعیتی را که ناشی از سیستم خون است تابعیت نسبی می گویند. در قانون ایران فقط نسب پدری مورد توجه می باشد و این نسب ممکن است مشروع باشد یا غیرمشروع.

1- تابعیت در قانون مدنی ایران:

بند 1 از ماده 976 ق.م:

کلیه ی ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آن ها مسلم باشد. تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آن ها مورد اعتراض دولت ایران نباشد. به نظر می رسد براساس (ماده 976 بند 1) قانون مدنی می توانیم استفاده کنیم که گفته: اشخاص ذیل تبعه ایران محسوب می شوند.

بند 1: {کلیه ساکنین ایران} در نتیجه مادران ایرانی که نسل در نسل در ایران سکونت داشته اند تابعیت ایرانی داشته اند و می توانند تابعیت را به فرزندان خود بدهند.

بند 2 از ماده 976 ق.م:

کسانی که پدر آن ها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارج متولد شده باشند. در زمان قدیم پیش از رواج نظام قانونگذاری ملاک تعیین تابعیت در گذشته متولد شدن در خانواده ایرانی و داشتن اقامت در ایران بوده است. و در قانون نامه ی تابعیت می گوید: هر کس در خاک دولت علیّه ایران متولد شده باشد تبعه ایران محسوب می شود.

جناب آقای دکتر محمود سلجوقی می گوید: علت عدم اشاره به نام مادر در این عبارت، بر حسب ظاهر، آن است که قانونگذار ایرانی در تنظیم قاعده‌های تابعیت ایران درباره‌ی خانواده‌های ایران قائل به {وحدت تابعیت} بوده و ذکر نام مادر را زائد می دانسته است (نورایی و غضنفری، 1396).

سیستم خون در ایران بصورت کامل اجرا شود یعنی: انتقال تابعیت از طریق {پدر یا مادر} ایرانی اعم از اینکه در ایران یا در خارج متولد شده باشند، صورت می گیرد.

بند 3 از ماده 976 ق.م:

کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشند. قانونگذار ایران با این دقت نظر گفته اگر طفلی در ایران پیدا شود، پدر و مادر آن نامعلوم باشد و بعدها مشخص شود پدر و مادرش خارجی هستند، چون این طفل در ایران به دنیا آمد بر اساس سیستم خاک این طفل تبعه ایران است. پس قانونگذار ایران می تواند به مادران ایرانی، بر اساس سیستم خاک تابعیت بدهد، چون از زمانی که کشور ایران به وجود آمده مادران ایرانی نسل در نسل در ایران زندگی کرده‌اند و می توانند این تابعیت را به فرزندان خود بدهند.

بند 4 از ماده 976 ق.م:

تابعیت ناشی از تولد در ایران از پدر و مادر بیگانه که یکی از آن دو نیز در ایران تولد یافته با استفاده از نظر قانونگذار که گفته اگر پدر و مادر خارجی اگر یکی از آن‌ها در ایران متولد شوند، و بعدا طفل آن‌ها در ایران متولد شود این طفل تبعه‌ی ایران محسوب می شود. نکته جالب در مورد بند 4 این است که حتی اگر مادر خارجی باشد اما چون فرزند در ایران متولد شده تابعیت ایرانی را می گیرد اما چنین حقی برای مادر ایرانی شناخته نشده است.

1- مادران ایرانی به صورت مستقل تابعیت ایرانی را بدست نمی آورند هر چند نسل در نسل در ایران بوده‌اند (البته از طریق پدران ایرانی خود دارای تابعیت هستند).

2- مادران ایرانی اگر چه از زمانی که کشور ایران تشکیل شده و نسل در نسل در آن زندگانی کرده‌اند و در تمام گذشت سال‌ها در فراز و فرودها و در غم و شادی کشور عزیزمان ایران شریک بوده (البته با همراهی پدران ایرانی) نمی توانند تابعیت ایرانی که حق

مسلم آنها هستند به فرزندان خود بدهند، ولی می‌بینیم چه راحت قانونگذار ایران به مادران و پدران خارجی تابعیت ایرانی می‌دهد.

تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی و قوانین پس از آن

در ایران قدیمی ترین قانون تابعیت مربوط به سال 1308 است. در این قانون هفت گروه از افراد می‌توانند تابعیت ایرانی داشته باشند: «کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم باشد تبعیت خارجی کسانی مسلم است که مدارک تابعیت آنها مورد اعتراض دولت ایران نباشد، کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند، کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیر معلوم باشد، کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده است به وجود آمده‌اند، کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است به وجود آمده و پس از رسیدن به سن هیجده سال تمام در ایران سکونت داشته باشند، هر زن تبعه خارجه که شوهر ایرانی اختیار کند و هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را تحصیل کرده باشد».

در سال 1309 متممی به این قانون اضافه شد و شرایط را برای افرادی که پدر آنها تبعه خارج از است را سخت تر کرد. بدین قرار که:

« اشخاص ... برای اینکه تبعه ایران شناخته شوند باید بلافاصله بعد از رسیدن به سن 18 سال تمام لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند و الا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که به موجب قانون 16 شهریور 1308 برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است (ماده 4 و مابعد) ولو اینکه اشخاص مزبور بعداً به ایران مراجعت کرده و در آنجا اختیار اقامت کرده باشند». قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران 19 اردیبهشت ماده 1310 شمسی به تصویب مجلس ملی رسید. قانون تابعیت مصوب ترجمه ای از قانون تابعیت سال 1806 فرانسه است. هیات وزراء در جلسه سوم اردیبهشت ماه 1314 بر طبق ماده 991 قانون مدنی کتاب تابعیت مصوب 27 بهمن 1313 بنا به پیشنهاد نمره 5068/969 وزارت امور خارجه نظامنامه تکالیف مربوط باجرای قانون تابعیت و اخذ

مخارج دفتری را در مورد کسانی که تقاضای ورود تابعیت ایران و یا خروج از آن و یا تقاضای بقاء تابعیت اصلی را دارند را تصویب کرد.

پس از پیروزی انقلاب نیز قوانین مربوط به تابعیت در قانون اساسی و مدنی کشورمان آمده است. اصل 41 و 42 قانون اساسی و اصول 976 تا 991 قانون مدنی درباره تابعیت و یا عدم تابعیت تصریح دارد. هم چنین در مواد 1060 و 1061 قانون مدنی ازدواج و استخدام این افراد موکول به اجازه مخصوص دولت شده است. اصل چهل و یکم قانون اساسی: تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتیکه به تابعیت کشور دیگری در آید.

اصل چهل و دوم: اتباع خارجه می توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران در آیند و سلب تابعیت اینگونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند. همچنین در قانون عادی در قالب مواد «976» تا «991» قانون مدنی کشور به این مفهوم حقوقی پرداخته شده است. این قانون باعث شده است تا فرزندان زنان ایرانی حاصل از ازدواج با مردان غیر ایرانی، با چالش هایی جدی در کسب تابعیت ایرانی مواجه شوند؛ زیرا در بهترین حالت زودتر از 18 سالگی امکان اخذ تابعیت ایرانی را نخواهند داشت. همچنین شرط اقامت در ایران نیز برای آنان لحاظ می شود. این در حالی است که افراد متولد شده از پدر ایرانی و مادر غیر ایرانی و حتی زنان غیر ایرانی که به ازدواج مردان ایرانی در می آیند، برای اخذ تابعیت ایرانی به هیچ وجه با مشکلی مواجه نمی شوند (ایرنا، 1398).

هرچند در سال 1385 قانونی با عنوان «قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید؛ اما این قانون نیز تغییر چندانی را حاصل نکرد و شروطی همچون رسیدن فرد به سن 18 سالگی، نداشتن سوء پیشینه، قانونی بودن ازدواج پدر و مادر و همچنین رد تابعیت پدر از سوی فرزند، باعث شد تا در عمل افراد تحت شمول این قانون چندان گسترده نشود. قانون ایران در موضوع تابعیت اگرچه براساس الگوبرداری از نظام حقوقی فرانسه بوده اما خود این مفهوم نیز در رژیم حقوقی

فرانسه در دو دهه اخیر کاملاً تغییر یافته است و بازتعریف شده است اما کماکان نظام حقوقی ایران به همان سیاق سابق باقی مانده است (ایرنا، 1398).

لایحه ای که در آن به فرزند ناشی از ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی اجازه می‌داد تابعیت مادرش یعنی ایرانی بودن را با وجود خارجی بودن پدر حفظ کند.

سرانجام لایحه انتقال تابعیت از مادر ایرانی به فرزندش که تا به امروز دو بار به صحن علنی مجلس وارد شده است؛ یکی در سال 1394 که با مخالفت نمایندگان که آن را عامل «تشویق مهاجرت به ایران» می‌دانستند از صحنه خارج شد و دیگری امروز 23 اردیبهشت 98 که نمایندگان در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی جزئیات لایحه اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی را با 179 رای موافق، 21 رای مخالف و 4 رای ممتنع از 213 نماینده حاضر تصویب کرد و راهی شورای نگهبان شد.

بر اساس ماده واحده این طرح، فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی که قبل یا بعد از تصویب این قانون متولد شده یا می‌شوند، قبل از رسیدن به سن 18 سال تمام شمسی به درخواست مادر ایرانی به تابعیت ایران در می‌آیند.

همچنین فرزندان مذکور پس از رسیدن به سن 18 سال تمام شمسی، در صورت عدم تقاضای مادری ایرانی، می‌توانند تابعیت ایران را تقاضا کنند که در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات) به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند، پاسخ به استعلام امنیتی باید حداکثر ظرف مدت سه ماه انجام شود و نیروی انتظامی نیز مکلف است نسبت به صدور پروانه اقامت برای پدر غیر ایرانی اقدام کند (ایرنا، 1398).

طبق تبصره 1 این ماده، در صورتی که پدر و یا مادر متقاضی در قید حیات نبوده و یا در دسترس نباشند، در صورت ابهام در احراز نسب متقاضی، احراز نسب با دادگاه صالح است.

بحث و نتیجه گیری

تابعیت یک رابطه‌ی سیاسی و معنوی است که شخصی را به دولت معینی مرتبط می‌سازد که مطابق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق هر فردی است و هیچ کس نمی‌تواند افراد

را از این حق منع کند. به علاوه تابعیت دارای سه اصل می‌باشد که در صورت وجود این سه اصل تابعیت به بهترین نحو در هر شخصی وجود خواهد داشت. مطابق قانون قدیم زنان ایرانی که همسر خارجی می‌کردند نمی‌توانستند به فرزندان خود تابعیت ایرانی بدهند البته با شرایط سختی همچون رسیدن به سن 18 سال و شرط اقامت می‌توانستند تابعیت ایرانی مادر را اخذ کنند اما بر خلاف این، زنان خارجی که شوهر ایرانی دارند، افراد متولد شده از این اشخاص بدون مواجهه با هیچ مشکلی می‌توانستند تابعیت ایرانی اخذ نمایند.

مطابق قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج مصوب سال 1385 تغییر چندانی در این موضوع ایجاد نکرد، اما لایحه جدید در این باب که در 28 اردیبهشت 1398 تصویب گردید این مشکل را حل نمود، بدین ترتیب مطابق این ماده واحده در حال حاضر فرزندان متولد شده از زنان ایرانی و شوهران خارجی می‌توانند قبل از رسیدن به سن 18 سال تمام به درخواست مادر ایرانی به تابعیت ایران در آیند. همچنین فرزندان مذکور پس از رسیدن به سن 18 سال تمام شمس، در صورت عدم تقاضای مادر ایرانی، می‌توانند تابعیت ایران را تقاضا کنند که در صورت نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات) به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

منابع

- شمس کوپایی، مریم. بررسی تطبیقی تابعیت کودکان در حقوق ایران و اسناد بین المللی، کنگره بین المللی جامع حقوق ایران، 1395.
- هاشمی، فاطمه السادات. جلالیان، اسکر. بررسی و تبیین تابعیت در حقوق ایران، اولین همایش ملی علوم انسانی اسلامی، 1394.
- نورایی، فروزان. غضنفری، هنگامه. بررسی شرایط اعطای تابعیت به فرزند از طریق مادر در حقوق ایران، چهارمین همایش ملی حقوق ارزیابی کارآمدی قانون در نظام جمهوری اسلامی ایران، 1396.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا، www.irna.ir، 1398.